



مرکز تحقیقات رایانگی


اصفهان

گامی



عمر الهمراء
عليها صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



این گونه بود
خدیجه

(س)

عزیز الله حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این گونه بود خدیجه (س)

نویسنده:

عزیز الله حسینی

ناشر چاپی:

روزنامه قدس

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	این گونه بود خدیجه (س)
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	هم او بود که در کنار ایمان وصف ناپذیر همسرش به خدا
۶	خدیجه در کار تجارت خود نیز
۷	از این زوج پاک و آسمانی چهار فرزند متولد شدند
۷	از ویژگیهای بارز حضرت خدیجه (س)
۸	هنگامی که پیامبر اکرم (ص)
۸	منابع :
۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

این گونه بود خدیجه (س)

مشخصات کتاب

نویسنده: عزیزالله حسینی

ناشر: روزنامه قدس

مقدمه

دهمین روز از ماه مبارک رمضان، دهمین سال بعثت و سه سال پیش از هجرت تاریخی پیامبر اکرم (ص) خدیجه کبری نخستین بانوی مسلمان تاریخ و همراه راستین آن بزرگمرد حماسه ساز اسلام، دعوت حق را لبیک گفت.

هم او بود که در کنار ایمان وصف ناپذیر همسرش به خدا

او را به پایداری در رسالتی خطیر و مقاومت و مبارزه با شرک تشویق می نمود و آینده بزرگ و عالمگیر آن دعوت را به چشم معرفت و بصیرت می دید و دشواریها و مشکلات در راه تبلیغ این دعوت را با جان و دل می خرید و از آن استقبال می کرد. خدیجه این دلباخته فضیلت و معنویت که نخستین زن تاجر عرب و یکی از بزرگترین شخصیت‌های تجاری حجاز بود، حتی پیش از ازدواج با پیامبر نیز، شهرتی شایسته داشت؛ چنان که نام وی نه تنها در تاریخ اسلام، بلکه در تاریخ اعراب و قبایل عرب و در آثار تاریخ نگاران غیراسلامی نیز، به عظمت و تجلیل، یاد شده است. ایشان پیش از بعثت پیامبر (ص) پیرو آیین جد بزرگوارش حضرت ابراهیم (ع) و از «حنفاء» بود و در نخستین روزی که پیامبر خدا (ص) به پیامبری مبعوث شد، اسلام خود را اعلام کرد. سالها پیش از آن، یکی از بستگان وی «امین قریش» را در خانه خدیجه (س) دیده و به حضرت خدیجه (س) گفته بود: «ای خدیجه، او همان پیامبر موعود است که من نشانه‌های او را در تورات خوانده‌ام. بانویی از قریش با او ازدواج می کند که سرور بانوان قریش است، مبدا از این شرف محروم شوی!»

در سفرهای تجارتهای آن حضرت به شام، امور خارق العاده فراوان از آن حضرت مشاهده شده بود، که دقیقاً به حضرت خدیجه گزارش می شد و بر تعلقات قلبی او می افزود. پسر عمویش ورقه بن نوفل نیز او را به این امر تشویق می کرد و می گفت: به خدا سوگند او همان پیامبری است که ما در انتظار بعثتش به سر می بریم. ورقه از کسانی بود که با بت پرستی مبارزه می کرد و محبت پیامبر اکرم (ص) را در دل خدیجه استوار می نمود. از این رهگذر، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) در نخستین روز بعثت از غار حرا با رسالت عظیم پابین می آمدند، سرور بانوان قریش به استقبال آن حضرت شتافت و عرض کرد: این چه نوری است که در پیشانی شما می بینم؟ فرمودند: این نور نبوت است. آنگاه ارکان اسلام را برای وی بیان نمود، و خدیجه (س) عرضه داشت: «من ایمان آوردم، پیامبری ات را باور کردم، آیین اسلام را پسندیدم و تسلیم شدم.»

خدیجه در کار تجارت خود نیز

بر اساس همان خصوصیات و خصلتهای برجسته انسانی اش، گام برمی داشت. هرگز به تجارت به عنوان ابزاری برای کسب درآمدهای سرشار، به هر طریق، نمی نگریست و در پی سودجویی بی رویه نبود. از این رو، همواره می کوشید تجارتهای عاری از درآمدهای ناصحیح انجام دهد، و آن را از عوایدی که از راه‌هایی نامشروع به دست می آید، مصون دارد. همین خصوصیات

انسانی، و رفتار معقول و منطقی ایشان اعتماد گروه‌ها و طبقات مختلف مردم را به سوی او جلب نمود. در همان زمان که خدیجه به عنوان زن نخست عرصه تجارت، نام و شهرت یافته بود، پیامبر خدا (ص) نیز دوران جوانی خود را طی می‌کرد و مردم نیز ایشان را به خاطر پاکی، راستی، درستی فوق العاده و امانتداری بی‌مانندش می‌ستودند. آوازه این درستی و امانت که در مکه توأم با ادای احترام به «امین»، گسترده شده بود، خدیجه را نیز به سوی این جوان درستکار و امانتدار، جلب و جذب کرد و اندکی بعد وی را به عنوان قافله سالار کاروان تجارتی، و سرپرست امور مربوط به داد و ستدهای خود برگزید. توفیقات غیر منتظره پیامبر در تجارت که خدیجه پیش از آن هرگز نظیرش را ندیده بود، توجه و اعتماد و اطمینان خردمندترین زن حجاز را بیش از پیش به درستی و امانتداری محمدامین، جلب کرد. آنچه بدین سان خدیجه در وجود این جوان پاک و پاک سرشت یافته بود، چنان باعث دگرگونی فکر، اندیشه و دیدگاهش شد، که یکسره در مسیر زندگی و طرز تفکر خود، تجدیدنظر کرد. عظمت روح و تعالی فکر و والایی روش زندگی محمد (ص) برای او چنان جاذبه‌ای داشت که به یکباره استقلال طلبی خاص خود را کنار گذاشت، و تصمیم گرفت از آن پس زندگی خود را با زندگی این یگانه تاریخ پیوند زند. جاذبه صداقت و راستی و پاکی محمدامین چنان بود که حتی بر غرور خدیجه نیز، فایق آمد، به گونه‌ای که خود داوطلبانه قدم پیش گذاشت، و به آن جوان بی‌مانند پیشنهاد ازدواج داد و اندکی بعد پیوند مبارک خدیجه (س) با بزرگمرد تاریخ اسلام شکل گرفت.

از این زوج پاک و آسمانی چهار فرزند متولد شدند

پسری به نام قاسم که طاهر و طیب لقب داشت، و کنیه «ابوالقاسم» برای پیامبر (ص)، از نام همین فرزند عزیز گرفته شده است. قاسم دوران نوزادی و شیرخوارگی را مدتی طی کرد، اما اندکی بعد بنا بر تقدیر الهی از دنیا چشم پوشید و به سرای باقی شتافت. غیر از این فرزند پسر، خدیجه دارای سه دختر به نامهای زینب، ام کلثوم و فاطمه (س) شد. آری شخصیت والایی همچون خدیجه است که در دامان پاکش، پاکدامن‌ترین و پاکیزه‌گهرترین بانوی جهان هستی، یعنی حضرت فاطمه زهرا (س)، پرورانده می‌شود. آن خورشید تابانی که بنا بر اراده و مشیت الهی، از میان تمام فرزندان پیامبر، برای پدر بزرگوارش باقی می‌ماند، تا برای مادری انوار الهی و سادات جهان انتخاب شود، و در دامان گهربارش فرزندان همچون ائمه معصومین (ع) را پرورش دهد که خود، مشعل داران ارشاد و هدایت جهانیان باشند.

ایشان تنها بانوی شایسته‌ای است که خداوند او را ظرف انوار درخشان امامت قرار داد و پیامبر نور و رحمت، در تبیین شایستگی هایش به دخت گرامی‌اش فرمود: دخترم! این مادرت خدیجه بود که خداوند او را ظرف نور امامت قرار داد. ایشان همواره به این فضیلت بزرگ ام الفضایل، اشاره کرده و می‌فرمود: خداوند از او برای من فرزند روزی کرد و از دیگران محروم نمود.

از ویژگیهای بارز حضرت خدیجه (س)

بهره‌مندی ایشان از هوش و تدبیری سرشار بود؛ چنانکه در عصری که سایه جهل همه جا را فرا گرفته بود و زنان از بیشتر مزایای زندگی محروم بودند، خدیجه (س) دارای کمال، عقل و شخصیت ادبی در سطح بالایی بود؛ چنانکه اشعار سرشار از ظرافت ادبی و معنوی او در شأن رسول خدا (ص) که حدود پانزده سال پیش از بعثت سروده شده، شاهد گویایی بر این مطلب است.

خدیجه (س) با حسن تدبیر تمامی مشکلات و مشقتهای دعوت اسلامی را که پیامبر (ص) با آنها مواجه بودند، برای آن حضرت قابل تحمل می‌کرد. در روزهای مشقت بار محاصره اقتصادی، ثروت فراوان حضرت خدیجه در شکستن حصر اقتصادی بسیار مؤثر بود. در این دوران، تبسم شادی آفرین آن بانوی نمونه، در زدودن آثار شکننده آن همه غم و اندوه سهم فراوان داشت. اگر چه همواره خداوند منان با عنایتهای بی‌کران خود پشتیبان پیامبر خدا (ص) بود، ولی چهره شاداب و نگاه‌های پر نشاط خدیجه، او را

برای روزگار سختی که در پیش رو داشت، مصمم تر می نمود.

هنگامی که پیامبر اکرم (ص)

با ده هزار سرباز جنگی وارد مکه معظمه گردید و آن فتح با شکوه را از آن خود نمود، اشراف مکه دسته دسته به محضر آن حضرت می شتافتند و با اصرار تقاضا می کردند که در منزل آنان فرود آید. پیامبر (ص) با پیشنهاد آنان موافقت نکرد و در کنار مرقد مطهر حضرت خدیجه (س) خیمه زد و ایام اقامت خویش را در مکه معظمه، در کنار محبوب از دست رفته خویش سپری نمود و بدین سان ۲۵ سال تمام نیز خدیجه ستاره پر فروغ دودمان رسالت بود. پس از پایان محاصره اقتصادی پیامبر (ص) و یارانش در شعب ابی طالب، چندی نگذشت که ابوطالب و خدیجه هر دو با فاصله چند روز در بستر بیماری افتادند. طبق پاره ای از روایات، ابوطالب (ع) دو ماه پس از آزادی از محاصره از دنیا رفت و پس از سه و به روایتی دیگر ۳۵ روز، در دهم رمضان سال دهم هجرت، خدیجه (س) نیز دار فانی را وداع گفت. با رحلت دو یار با وفا و پشتیبان خستگی ناپذیر محمد (ص)، حضرت آن سال را عام الحزن یا سال غم و اندوه نامید. پس از آن، پیامبر اکرم (ص) همواره می فرمود: تا هنگامی که ابوطالب و خدیجه زنده بودند، هرگز غم و اندوهی بر من مستولی نشد. خاطرات تلخ و شیرین ایام زندگی مشترک خدیجه هرگز از حافظه پیامبر (ص) محو نشد. او هرگز از خانه بیرون نمی رفت، جز اینکه از خدیجه یاد می کرد و می فرمود: آری خدیجه این گونه بود و خداوند نسل مرا از او قرار داد. ایشان همچنین می فرمود: «هرگز خداوند متعال بهتر از او را بر من نصیب نفرموده است. او روزی که من به کمک نیاز داشتم، به یاری ام آمد و دستم را با مهر و عطوفت گرفت؛ روزی که من ایمان آورد که جهانیان نسبت به من کفر می ورزیدند، روزی مرا تصدیق کرد که جهانیان تکذیب می کردند، خداوند از او به من اولاد عنایت کرد.»

خدیجه در حساس ترین شرایط زندگی پیامبر خدا (ص) -چه آن زمان که وجود مبارکش در آستانه نزول وحی قرار داشت و همه چیز دگرگون شده بود، و چه آن زمان که وحی الهی بر قلب پاکش نازل می شد و جهانی را به لرزه درمی آورد- همواره رسول اکرم (ص) را به خوبی درک می کرد. او را به طور صحیح شناخت و به واقعیت‌های والای وجودش پی برد. رسالت او را به روشنی فهمید و آن را با تمام جانش پذیرفت و با تمامی توان خود در راه تثبیت و گسترش آن ایستادگی کرد. «ابن اسحاق» یکی از سیره نویسان اولیه و معروف اسلام، در این خصوص می گوید: مقام معنوی و اخلاقی و حرمت بی مانند خدیجه به جایی رسید که مورد عنایت خاص الهی قرار گرفت. چنان که روزی جبرئیل به هنگام نزول وحی گفت: «ای پیامبر، سلام پروردگار یکتا را به خدیجه برسان.» پیامبر اسلام (ص) نیز به خدیجه گفت: «ای خدیجه، اینک جبرئیل درود پروردگار را به تو ابلاغ می کند.» آنگاه خدیجه در پاسخ گفت: «خداوند خود سلام است و آغاز سلام و درود از اوست، و درود و سلام بر جبرئیل...»

امامان معصوم (ع) نیز در موارد متعدد به وجود این بانوی گرانقدر، مباهات و افتخار کرده اند؛ چنانکه امام حسین (ع) روز عاشورا، در ضمن خطبه ای که خود را به دشمن معرفی می کرد، فرمود: «شما را به خدا سوگند، آیا می دانید که جده من خدیجه (ع) دختر خویلد است.» یا امام سجاد (ع) در مجلس یزید در دمشق، در فرازی از سخنرانی اش، خود را چنین معرفی می کند: «من پسر خدیجه بانوی بزرگ اسلام هستم.» امام صادق (ع) نیز می فرماید: وقتی خدیجه (س) وفات کرد، فاطمه (ع) به رسول خدا پناه برد. به دور پیامبر می چرخید و می گفت: «پدر جان، مادر من کجاست؟» جبرئیل نازل شد و عرضه داشت: «ای رسول خدا، پروردگارت امر فرمود به فاطمه سلام برسان و بگو مادرش در خانه ای است از یاقوت و زبرجد که اتاقهایش از طلا و ستونهایش از یاقوت قرمز ساخته شده و با آسیه و مریم همنشین است.»

۱- تذکره‌الخواص، ج ۲

۲- عمده ابن بطریق

۳- منبر الاسلام و توفیق الاعلم.

۴- سیره ابن هشام، ج ۱

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

